دوماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه
سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی: ۶۴)، خرداد ۱۴۰۵

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های لندتک در بازارهای نوظهور با رویکرد مدیریت فرآیندها و بهره‌وری

پوریاغضنفریون[۱]، محمدرفیعی[۲]، میناواهبی[۳]، متین دلجویی[۴]، لیلاکلانتری[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲
کد مقاله: ۹۴۶۴۷

چکـیده

فناوری‌های مالی به‌ویژه لندتک در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحول در نظام تأمین مالی مطرح شده‌اند و نقش قابل‌توجهی در گسترش دسترسی به خدمات اعتباری در بازارهای نوظهور ایفا می‌کنند. هدف این مقاله مروری، بررسی چالش‌ها و فرصت‌های توسعه لندتک در بازارهای نوظهور با تأکید بر رویکرد مدیریت فرآیندها و بهبود بهره‌وری است. در این راستا، با تحلیل مطالعات پیشین و گزارش‌های تخصصی، ابعاد مختلف توسعه لندتک از جمله زیرساخت‌های دیجیتال، چارچوب‌های مقرراتی، نوآوری‌های فناورانه و نقش داده‌ها در ارزیابی اعتبار مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد که لندتک می‌تواند با ساده‌سازی و دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اعتباری، هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و سرعت و دقت تصمیم‌گیری در اعطای تسهیلات را افزایش دهد. استفاده از فناوری‌هایی مانند کلان‌داده، هوش مصنوعی و تحلیل الگوریتمی اعتبارسنجی، امکان طراحی فرآیندهای کارآمدتر و افزایش بهره‌وری در مؤسسات مالی را فراهم می‌کند. با این حال، بازارهای نوظهور با چالش‌هایی نظیر ضعف زیرساخت‌های فناورانه، محدودیت‌های مقرراتی، ریسک‌های امنیت اطلاعات و سطح پایین سواد مالی کاربران مواجه هستند که می‌تواند توسعه پایدار این حوزه را تحت تأثیر قرار دهد، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بهره‌گیری از رویکرد مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار در طراحی و بهبود مدل‌های عملیاتی لندتک می‌تواند به ارتقای کارایی، کاهش ریسک و افزایش دسترسی مالی در بازارهای نوظهور کمک کند. همچنین تعامل مؤثر میان نهادهای مالی، استارتاپ‌های فین‌تک و نهادهای سیاست‌گذار، در کنار توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و چارچوب‌های نظارتی منعطف، از عوامل کلیدی در بهره‌برداری از فرصت‌های لندتک و غلبه بر چالش‌های موجود به شمار می‌رود.

واژگـان کلـیدی: لندتک، فناوری‌های مالی، بازارهای نوظهور، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار، بهره‌وری سازمانی

۱- کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران
P.Ghazanfariyoon@iauz.ac.ir
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران(نویسنده مسئول)
rafieimohamad5@gmail.com
۳- کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران
Mina.vahebi2250@gmail.com
۴- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت بازرگانی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
mr.matin113@gmail.com
۵- کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان ایران
Kalantari_leila@yahoo.com

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

۱- مقدمه

تحولات سریع فناوری‌های مالی در دهه اخیر، ساختارهای سنتی نظام‌های مالی را به‌طور بنیادین دگرگون کرده است. در این میان، لندتک۱ به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های کلیدی فین‌تک، با تمرکز بر دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اعطای تسهیلات و اعتبار، توانسته است الگوهای سنتی تأمین مالی را بازتعریف کند. استفاده از پلتفرم‌های آنلاین، الگوریتم‌های اعتبارسنجی هوشمند و تحلیل داده‌های گسترده، امکان ارائه خدمات اعتباری سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و در دسترس‌تر را فراهم ساخته است(کهن شهری و همکاران، ۱۴۰۴). بازارهای نوظهور به دلیل ساختار اقتصادی در حال گذار، نرخ بالای جمعیت فاقد دسترسی به خدمات بانکی رسمی و نیاز گسترده به تأمین مالی خرد و متوسط، بستر مناسبی برای رشد لندتک محسوب می‌شوند. در بسیاری از این کشورها، نظام بانکی سنتی به دلیل بوروکراسی پیچیده، هزینه‌های عملیاتی بالا و ضعف در ارزیابی ریسک اعتباری، نتوانسته پاسخگوی نیازهای متنوع کسب‌وکارهای کوچک و افراد کم‌درآمد باشد. لندتک با حذف واسطه‌های غیرضروری و بهینه‌سازی فرآیندها، می‌تواند این شکاف را کاهش دهد(ترابیان و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر مدیریت فرآیندها، لندتک نمونه‌ای از بازمهندسی فرآیندهای کسب‌وکار در صنعت مالی به شمار می‌رود. دیجیتالی‌سازی مراحل درخواست، ارزیابی، تصویب و بازپرداخت تسهیلات، موجب کاهش زمان چرخه عملیات و افزایش شفافیت می‌شود. این تحول فرآیندی نه‌تنها هزینه‌های مستقیم را کاهش می‌دهد، بلکه با کاهش خطاهای انسانی و بهبود هماهنگی بین واحدها، بهره‌وری کل سیستم را افزایش می‌دهد(دجیوندج۲ و همکاران،۲۰۲۱). یکی از مهم‌ترین مزیت‌های لندتک در بازارهای نوظهور، بهره‌گیری از داده‌های جایگزین برای اعتبارسنجی است. در شرایطی که بسیاری از متقاضیان فاقد سابقه اعتباری رسمی هستند، استفاده از داده‌های رفتاری، تراکنش‌های دیجیتال و سوابق پرداخت خدمات می‌تواند مبنای جدیدی برای ارزیابی ریسک فراهم کند. این رویکرد داده‌محور، امکان گسترش شمول مالی و افزایش دسترسی به منابع اعتباری را فراهم می‌آورد (احمدی و کریمی، ۲۰۲۳). با این حال، توسعه لندتک در بازارهای نوظهور با چالش‌های زیرساختی همراه است. ضعف دسترسی به اینترنت پایدار، محدودیت‌های فنی در یکپارچه‌سازی سیستم‌ها و کمبود نیروی انسانی متخصص، می‌تواند کارایی پلتفرم‌های لندتک را کاهش دهد. مدیریت مؤثر فرآیندها در چنین شرایطی مستلزم طراحی سیستم‌های انعطاف‌پذیر و مقیاس‌پذیر است که بتوانند با محدودیت‌های محیطی سازگار شوند (ناوارتی و همکاران۳،۲۰۱۸).

علاوه بر زیرساخت‌های فنی، چارچوب‌های مقرراتی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت لندتک دارند. در بسیاری از بازارهای نوظهور، قوانین مرتبط با وام‌دهی دیجیتال، حفاظت از داده‌ها و امنیت اطلاعات هنوز به‌طور کامل تدوین نشده یا شفاف نیستند. نبود مقررات منسجم می‌تواند ریسک‌های عملیاتی و اعتباری را افزایش داده و اعتماد کاربران را تضعیف کند (گروال و روگوین۴،۲۰۲۰). از منظر بهره‌وری، لندتک ظرفیت آن را دارد که با کاهش هزینه‌های عملیاتی، بهبود تخصیص منابع و افزایش سرعت تصمیم‌گیری، ارزش‌آفرینی قابل‌توجهی ایجاد کند. اتوماسیون فرآیندها، استفاده از هوش مصنوعی در ارزیابی ریسک و کاهش وابستگی به شعب فیزیکی، ساختار هزینه‌ای مؤسسات مالی را متحول می‌سازد. این تغییرات می‌تواند نسبت هزینه به درآمد را بهبود بخشیده و پایداری مالی را تقویت کند (بازارباش۵،۲۰۱۹). همچنین لندتک می‌تواند رقابت‌پذیری در صنعت مالی را افزایش دهد. ورود بازیگران فناورانه جدید، بانک‌های سنتی را به بازنگری در فرآیندها و مدل‌های کسب‌وکار خود وادار می‌کند. این رقابت، نوآوری را تسریع کرده و در نهایت به بهبود کیفیت خدمات و کاهش هزینه برای مصرف‌کنندگان منجر می‌شود(ژانگ6 ،۲۰۲۰).

با وجود فرصت‌های گسترده، ریسک‌هایی نظیر نکول اعتباری، تقلب دیجیتال، حملات سایبری و سوگیری الگوریتمی نیز وجود دارد که در صورت مدیریت نادرست، می‌تواند پایداری این اکوسیستم را تهدید کند. بنابراین، رویکرد مدیریت فرآیندها باید همراه با سازوکارهای کنترل داخلی، مدیریت ریسک و پایش مستمر عملکرد باشد تا تعادل میان کارایی و امنیت برقرار گردد. در مجموع، بررسی لندتک در بازارهای نوظهور نیازمند نگاهی یکپارچه است که هم‌زمان به ابعاد فناورانه، مدیریتی، مقرراتی و اقتصادی توجه کند. تمرکز بر بهینه‌سازی فرآیندها و ارتقای بهره‌وری می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های این حوزه فراهم آورد و مسیر توسعه پایدار آن را هموار سازد. با وجود رشد سریع لندتک در بازارهای نوظهور، هنوز چارچوبی جامع برای تحلیل هم‌زمان چالش‌ها و فرصت‌های این حوزه از منظر مدیریت فرآیندها و بهره‌وری ارائه نشده است. بسیاری از مطالعات بر جنبه‌های فناورانه یا مالی تمرکز داشته‌اند، در حالی‌که ناکارآمدی فرآیندهای عملیاتی، ضعف در طراحی گردش کار، ریسک‌های اجرایی و نبود هماهنگی مقرراتی می‌تواند مانع تحقق کامل مزایای لندتک شود. از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از رویکرد مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار، ضمن شناسایی و کاهش چالش‌های

[1] *LendTech*
[2] *Djeundje*
[3] *Navaretti et al*
[4] *Grewal & Roggeveen*
[5] *Bazarbash*
[6] *Zhang*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

زیرساختی و مقرراتی، از ظرفیت‌های لندتک برای افزایش بهره‌وری و گسترش شمول مالی در بازارهای نوظهور بهره‌برداری مؤثر کرد.

۲-مرور ادبیات پژوهش

۲-۱-لندتک

تحول دیجیتال در صنعت مالی به‌عنوان یکی از پیامدهای انقلاب صنعتی چهارم، موجب شکل‌گیری مدل‌های نوین کسب‌وکار در حوزه خدمات مالی شده است. فناوری‌های مالی با ترکیب فناوری اطلاعات، تحلیل داده و نوآوری‌های سازمانی، ساختار سنتی واسطه‌گری مالی را بازتعریف کرده‌اند. در این چارچوب، کارایی، سرعت و دسترسی به خدمات مالی به شاخص‌های کلیدی رقابت تبدیل شده‌اند و سازمان‌ها ناگزیر به بازطراحی فرآیندهای خود هستند(گامبر و همکاران[1]، ۲۰۱۸) .لندتک به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های فین‌تک، به کاربرد فناوری در فرآیند اعطای وام و اعتبار اشاره دارد. این مفهوم شامل پلتفرم‌های وام‌دهی همتابه‌همتا، اعتباردهی دیجیتال و استفاده از الگوریتم‌های هوشمند برای ارزیابی ریسک اعتباری است(کن میچلیچ[2]، ۲۰۱۸). لندتک با حذف مراحل زائد و کاهش وابستگی به ساختارهای فیزیکی، هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و تجربه مشتری را بهبود می‌بخشد. از منظر نظریه نوآوری اخلال‌گر، لندتک را می‌توان مصداقی از فناوری اخلال‌گر دانست که با ارائه راهکارهای ساده‌تر و ارزان‌تر، بازارهای سنتی را به چالش می‌کشد. این فناوری‌ها معمولاً از بخش‌های کمتر مورد توجه بازار آغاز کرده و به‌تدریج سهم بازیگران بزرگ را کاهش می‌دهند (اکسیون[3]،۲۰۱۸).

در بازارهای نوظهور، ضعف نظام‌های بانکی و محدودیت دسترسی به خدمات مالی رسمی، زمینه را برای رشد سریع لندتک فراهم کرده است(تاکدا، آه، و ایتو، وای[4]، ۲۰۲۱). نظریه شمول مالی بیان می‌کند که دسترسی گسترده‌تر به خدمات مالی می‌تواند به کاهش فقر، افزایش کارآفرینی و رشد اقتصادی منجر شود(نجیبی و همکاران[5]، ۲۰۲۱). لندتک با کاهش موانع ورود و تسهیل دسترسی، ابزار مؤثری در تحقق شمول مالی محسوب می‌شود(کانت و همکاران[6]، ۲۰۱۸)

مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل، طراحی، اجرا و بهبود مستمر فرآیندهای سازمانی فراهم می‌کند. در صنعت مالی، فرآیندهای کسب‌وکار می‌تواند به استانداردسازی فعالیت‌ها، کاهش زمان چرخه عملیات و افزایش شفافیت منجر شود. دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اعتباری در لندتک، نمونه‌ای از کاربرد عملی این رویکرد است(دامنس و همکاران[7]، ۲۰۱۸)، بازمهندسی فرآیندهای کسب‌وکار نیز یکی از مبانی نظری مرتبط با لندتک است. فرآیندهای کسب‌وکار بر طراحی مجدد ریشه‌ای فرآیندها با هدف دستیابی به بهبودهای چشمگیر در هزینه، کیفیت و سرعت تأکید دارد. پلتفرم‌های لندتک با حذف واسطه‌ها و اتوماسیون تصمیم‌گیری اعتباری، تجلی این رویکرد در صنعت مالی هستند (پاندی و همکاران [8]، ۲۰۲۲). بهره‌وری به‌عنوان نسبت ستانده به نهاده، یکی از شاخص‌های کلیدی ارزیابی عملکرد سازمانی است. در خدمات مالی، بهره‌وری از طریق کاهش هزینه‌های عملیاتی، افزایش سرعت پردازش و بهینه‌سازی تخصیص منابع قابل سنجش است. فناوری‌های دیجیتال نقش مهمی در ارتقای بهره‌وری از طریق اتوماسیون و تحلیل داده ایفا می‌کنند (هارسیم و همکاران[9]، ۲۰۱۸) نظریه قابلیت‌های پویا بیان می‌کند که سازمان‌ها برای بقا در محیط‌های پرتلاطم باید توانایی ادغام، بازپیکربندی و نوسازی منابع خود را داشته باشند. لندتک در بازارهای نوظهور نیازمند قابلیت‌های پویا برای انطباق با تغییرات مقرراتی، فناوری و رفتار مشتریان است(تسی[10]، ۲۰۰۷)، مدیریت ریسک اعتباری یکی از ارکان اساسی در مدل‌های لندتک است. استفاده از کلان‌داده و یادگیری ماشین، امکان پیش‌بینی دقیق‌تر نکول را فراهم می‌کند. این رویکرد داده‌محور می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و کارایی تخصیص اعتبار را افزایش دهد(بالیاد[11]، ۲۰۱۹)، نظریه پذیرش فناوری نیز در تحلیل توسعه لندتک اهمیت دارد. بر اساس این نظریه، ادراک سودمندی و سهولت استفاده، عوامل اصلی پذیرش فناوری توسط کاربران هستند. موفقیت پلتفرم‌های لندتک در بازارهای نوظهور تا حد زیادی به میزان پذیرش کاربران وابسته است(دیویس، ۱۹۹۷، باکلی، ر.، آرنر، دی. دبلیو.، باربریس، جی. ان [12]، ۲۰۱۶) اعتماد دیجیتال یکی از عوامل کلیدی در استفاده از خدمات مالی آنلاین است. نظریه اعتماد در تجارت الکترونیک نشان می‌دهد که امنیت

[1] *Gomber et al*
[2] *Ken Michlitsch*
[3] *ACCION*
[4] *Takeda, A., & Ito, Y*
[5] *Najibi, S. R., Akbarian, R., Rostamzadeh, P*
[6] *Demirgüç-Kunt et al*
[7] *Dumas et al*
[8] *Panday, K. K., Yadav, B*
[9] *Harasim, J. i Mitręga-Nestrój, K*
[10] *Teece*
[11] *Balyuk & Davydenko,*
[12] *Buckley, R., Arner, D. W., Barberis, J. N*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

اطلاعات، شفافیت فرآیندها و حفاظت از داده‌ها بر قصد استفاده مشتریان تأثیر مستقیم دارد. ضعف در این حوزه می‌تواند مانع رشد لندتک شود(حیدری صومعه، ۱۴۰۱).

چارچوب‌های مقرراتی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار لندتک دارند. نظریه تنظیم‌گری هوشمند بر ضرورت تعادل میان نوآوری و کنترل ریسک تأکید دارد. مقررات بیش‌ازحد می‌تواند نوآوری را محدود کند، در حالی‌که نبود نظارت کافی، ریسک‌های سیستمی ایجاد می‌کند (آرنر و همکاران[1]، ۲۰۱۷). زیرساخت‌های دیجیتال شامل اینترنت پرسرعت، سامانه‌های پرداخت الکترونیکی و پایگاه‌های داده اعتباری، پیش‌نیاز توسعه لندتک هستند. نظریه توسعه نهادی بیان می‌کند که کیفیت نهادها و زیرساخت‌ها بر عملکرد بازارها تأثیر مستقیم دارد ، رقابت در صنعت مالی با ورود فین‌تک‌ها شدت یافته است. نظریه ساختار–رفتار–عملکرد نشان می‌دهد که افزایش رقابت می‌تواند کارایی و نوآوری را تقویت کند. حضور لندتک‌ها بانک‌های سنتی را به بهبود فرآیندها و کاهش هزینه‌ها سوق داده است (ناوارتی و همکاران ،۲۰۱۸). شمول مالی دیجیتال به‌عنوان یکی از پیامدهای توسعه لندتک، می‌تواند نابرابری دسترسی به منابع مالی را کاهش دهد. مطالعات نشان می‌دهد که دسترسی به اعتبار رسمی، رشد کسب‌وکارهای کوچک و توانمندسازی اقتصادی را تقویت می‌کند . در نهایت، پیوند میان مدیریت فرآیندها و بهره‌وری در لندتک نشان می‌دهد که طراحی کارآمد گردش کار، اتوماسیون تصمیم‌گیری و پایش مستمر عملکرد می‌تواند مزیت رقابتی پایدار ایجاد کند. یکپارچگی میان فناوری، فرآیند و استراتژی، شرط اساسی موفقیت لندتک در بازارهای نوظهور است (چن[2]، ۲۰۲۱).

۲-۲-مدیریت فرآیندها و بهره‌وری

تحول دیجیتال در دهه‌های اخیر موجب تغییرات گسترده‌ای در ساختار و عملکرد سازمان‌ها شده است. یکی از حوزه‌هایی که بیشترین تأثیر را از این تحولات پذیرفته، صنعت مالی و به‌ویژه خدمات اعتباری است. ظهور فناوری‌های مالی نوین، از جمله لندتک، سبب شده است فرآیندهای سنتی اعطای وام و مدیریت اعتبارات دچار تغییرات اساسی شوند(). در این میان، رویکرد مدیریت فرآیندها به‌عنوان یکی از چارچوب‌های مهم مدیریتی، امکان تحلیل و بهبود این تحولات را فراهم می‌کند(سلیمانی و همکاران،۱۴۰۱). مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار به مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارها اشاره دارد که برای طراحی، تحلیل، اجرا و بهبود فرآیندهای سازمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویکرد تلاش می‌کند فعالیت‌های سازمان را در قالب فرآیندهای منسجم و قابل اندازه‌گیری سازماندهی کند تا کارایی و اثربخشی آن‌ها افزایش یابد. در واقع، تمرکز اصلی مدیریت فرآیندها بر بهینه‌سازی جریان فعالیت‌ها و حذف مراحل غیرضروری است. یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت فرآیندها، شناسایی و تحلیل زنجیره ارزش سازمان است. در این چارچوب، هر فعالیت سازمانی به‌عنوان بخشی از یک فرآیند ارزش‌آفرین در نظر گرفته می‌شود که هدف آن ایجاد ارزش برای مشتریان است. در صنعت مالی، فرآیندهایی مانند بررسی درخواست وام، اعتبارسنجی مشتریان، ارزیابی ریسک و پرداخت تسهیلات از جمله مهم‌ترین فعالیت‌هایی هستند که می‌توانند از طریق مدیریت فرآیندها بهبود یابند.(پهلوانیان و همکاران، ۱۴۰۳). بهره‌وری نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم عملکرد سازمانی، نقش اساسی در ارزیابی کارایی فرآیندها دارد. بهره‌وری نشان‌دهنده میزان کارایی استفاده از منابع برای تولید خروجی‌های مورد انتظار است. سازمان‌هایی که قادرند با منابع کمتر، خدمات باکیفیت‌تری ارائه دهند، از بهره‌وری بالاتری برخوردار هستند. در حوزه خدمات مالی، افزایش بهره‌وری می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت ارائه خدمات شود(قاسمی و همکاران، ۱۴۰۴). در سال‌های اخیر، فناوری‌های دیجیتال نقش مهمی در افزایش بهره‌وری سازمان‌ها ایفا کرده‌اند. استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی، تحلیل داده‌های بزرگ و الگوریتم‌های هوشمند، امکان بهینه‌سازی فرآیندهای سازمانی را فراهم کرده است. در صنعت مالی نیز استفاده از این فناوری‌ها باعث کاهش زمان پردازش اطلاعات و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری شده است. لندتک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فین‌تک، به ارائه خدمات وام‌دهی از طریق بسترهای دیجیتال می‌پردازد. این فناوری با حذف بسیاری از مراحل سنتی و کاغذی، فرآیند اعطای تسهیلات را ساده‌تر و سریع‌تر می‌کند. در واقع، لندتک تلاش می‌کند با استفاده از فناوری‌های نوین، فرآیندهای اعتباری را بهینه‌سازی کرده و دسترسی افراد به منابع مالی را افزایش دهد. یکی از ویژگی‌های مهم لندتک، استفاده از داده‌های جایگزین برای ارزیابی اعتبار متقاضیان است. در بسیاری از بازارهای نوظهور، افراد فاقد سابقه اعتباری رسمی هستند و همین امر دریافت وام را برای آن‌ها دشوار می‌کند. پلتفرم‌های لندتک با استفاده از داده‌های دیجیتال، مانند سوابق پرداخت، رفتارهای آنلاین و داده‌های تراکنشی، می‌توانند ارزیابی دقیق‌تری از اعتبار افراد ارائه دهند. بازارهای نوظهور محیطی مناسب برای رشد لندتک محسوب می‌شوند. در این کشورها، دسترسی محدود به خدمات بانکی سنتی و افزایش استفاده از فناوری‌های دیجیتال، زمینه را برای توسعه پلتفرم‌های مالی نوآورانه فراهم کرده است. لندتک می‌تواند در این بازارها نقش مهمی در گسترش دسترسی به خدمات مالی و افزایش شمول مالی ایفا کند(لوکس و اپس[3]،۲۰۲۲).

[1] *Arner et al*
[2] *Chen*
[3] *Lux & Epps*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

با وجود فرصت‌های فراوان، توسعه لندتک در بازارهای نوظهور با چالش‌هایی نیز همراه است. ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نبود چارچوب‌های نظارتی مناسب و نگرانی‌های مربوط به امنیت داده‌ها از جمله مهم‌ترین موانع توسعه این فناوری هستند. این چالش‌ها می‌توانند کارایی فرآیندهای دیجیتال و اعتماد کاربران را تحت تأثیر قرار دهند. در این میان، مدیریت فرآیندها می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش این چالش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. با طراحی دقیق فرآیندهای عملیاتی و استفاده از استانداردهای مدیریتی، سازمان‌ها می‌توانند ریسک‌های مرتبط با خدمات دیجیتال را کاهش دهند و کیفیت خدمات خود را بهبود بخشند. از منظر بهره‌وری، لندتک می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مؤسسات مالی داشته باشد. دیجیتالی شدن فرآیندهای اعتباری باعث کاهش هزینه‌های عملیاتی، افزایش سرعت پردازش درخواست‌ها و بهبود دسترسی مشتریان به خدمات مالی می‌شود. این عوامل در مجموع به افزایش بهره‌وری سازمان‌ها کمک می‌کنند(آگل و همکاران[1]، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از مزایای لندتک، افزایش شفافیت در فرآیندهای مالی است. استفاده از سیستم‌های دیجیتال امکان ثبت و پیگیری دقیق فعالیت‌ها را فراهم می‌کند و همین امر می‌تواند به کاهش خطاهای انسانی و سوءاستفاده‌های مالی کمک کند. شفافیت فرآیندها یکی از عوامل مهم در افزایش اعتماد کاربران به خدمات مالی دیجیتال محسوب می‌شود (مکوندی[2] ، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، موفقیت لندتک تا حد زیادی به میزان پذیرش کاربران بستگی دارد. اعتماد کاربران به امنیت و کارایی پلتفرم‌های دیجیتال نقش مهمی در استفاده گسترده از این خدمات دارد. بنابراین، سازمان‌ها باید علاوه بر توسعه فناوری، به تقویت اعتماد کاربران نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. در چارچوب مدیریت فرآیندها، ارزیابی مستمر عملکرد فرآیندها از اهمیت زیادی برخوردار است. سازمان‌ها باید به‌طور مداوم عملکرد سیستم‌های دیجیتال خود را بررسی کرده و در صورت نیاز اصلاحات لازم را انجام دهند. این رویکرد به بهبود مستمر فرآیندها و افزایش بهره‌وری کمک می‌کند. در نهایت می‌توان گفت که ترکیب رویکرد مدیریت فرآیندها با فناوری‌های لندتک می‌تواند به ایجاد تحول در نظام مالی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، منجر شود. این رویکرد امکان بهینه‌سازی فرآیندهای اعتباری، افزایش بهره‌وری و گسترش دسترسی به خدمات مالی را فراهم می‌کند و می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار نظام‌های مالی ایفا کند.

۳-۲- لندتک

لندتک به مجموعه فناوری‌ها، پلتفرم‌ها و مدل‌های کسب‌وکاری گفته می‌شود که فرآیندهای مرتبط با اعطای وام و اعتبار را به‌صورت دیجیتال انجام می‌دهند. در این حوزه، فعالیت‌هایی مانند ثبت درخواست وام، بررسی اولیه، اعتبارسنجی، تصمیم‌گیری، پرداخت وام و حتی پیگیری بازپرداخت، با استفاده از سامانه‌های آنلاین و ابزارهای هوشمند مدیریت می‌شود. تفاوت اصلی لندتک با روش‌های سنتی در این است که بسیاری از مراحل زمان‌بر و کاغذی حذف یا به‌شدت ساده‌سازی می‌شوند و در نتیجه، تجربه مشتری و کارایی عملیاتی بهبود می‌یابد. لندتک صرفاً به معنی وام‌دهی اینترنتی نیست، بلکه بیانگر یک تحول ساختاری در منطق اعتباردهی است. در مدل‌های سنتی، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً بر اسناد رسمی، سابقه بانکی و وثایق کلاسیک تکیه می‌کنند؛ اما در لندتک، داده‌های متنوع‌تری مانند رفتار پرداخت، فعالیت دیجیتال، تراکنش‌ها و الگوهای مالی مشتری نیز می‌تواند در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد. این ویژگی موجب می‌شود حتی افرادی که سابقه اعتباری رسمی ندارند، در برخی موارد امکان دسترسی به تسهیلات را پیدا کنند.

از منظر مدیریتی، لندتک ابزاری برای بازطراحی و بهینه‌سازی فرآیندهای مالی است. این فناوری با اتوماسیون مراحل مختلف، کاهش مداخلات دستی، حذف خطاهای انسانی و کوتاه‌کردن زمان پاسخ‌گویی، به افزایش سرعت عملیات کمک می‌کند. در نتیجه، سازمان‌های مالی می‌توانند با هزینه کمتر، حجم بیشتری از درخواست‌ها را بررسی کنند و در عین حال کیفیت تصمیم‌گیری را نیز ارتقا دهند. به همین دلیل، لندتک نه‌تنها یک نوآوری فناورانه، بلکه یک مزیت رقابتی برای مؤسسات مالی محسوب می‌شود. در بازارهای نوظهور، اهمیت لندتک دوچندان است؛ زیرا این بازارها معمولاً با ضعف دسترسی به خدمات مالی، بروکراسی بانکی، کمبود شعب و محدودیت در ارزیابی اعتباری مواجه هستند. لندتک می‌تواند با ایجاد دسترسی سریع‌تر و ساده‌تر به منابع مالی، هم به شمول مالی کمک کند و هم زمینه رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را فراهم آورد. بنابراین، لندتک را می‌توان یکی از پیشران‌های اصلی تحول مالی در اقتصادهای در حال توسعه دانست.

۳-۳-بازارهای نوظهور

بازارهای نوظهور به اقتصادهایی گفته می‌شود که در مسیر گذار از ساختارهای سنتی به اقتصادهای صنعتی‌تر و رقابتی‌تر قرار دارند. این کشورها معمولاً دارای نرخ رشد اقتصادی قابل‌توجه، جمعیت جوان، ظرفیت مصرف بالا و نیاز گسترده به توسعه

[1] *Agarwal, S., & Chua, Y.H. (2020).*
[2] *Makvandi*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

زیرساخت‌های مالی و فناورانه هستند. با این حال، این بازارها هنوز به سطح بلوغ کامل نهادهای اقتصادی، بانکی و نظارتی در کشورهای توسعه‌یافته نرسیده‌اند. به همین دلیل، بازارهای نوظهور هم‌زمان واجد فرصت‌های رشد بالا و ریسک‌های ساختاری هستند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازارهای نوظهور، دسترسی نامتوازن به خدمات مالی رسمی است. در بسیاری از این اقتصادها، بخش بزرگی از جمعیت یا فاقد حساب بانکی است یا امکان دسترسی آسان به تسهیلات اعتباری، بیمه و ابزارهای پرداخت پیشرفته را ندارد. همین خلأ موجب شده است که نوآوری‌های مالی، به‌ویژه فین‌تک و لندتک، جایگاه ویژه‌ای در این بازارها پیدا کنند. در واقع، کمبود خدمات سنتی در این کشورها خود به عاملی برای رشد سریع راهکارهای دیجیتال تبدیل شده است (کارنی۱ ، ۲۰۱۷).

از منظر نهادی، بازارهای نوظهور معمولاً با چالش‌هایی مانند ضعف چارچوب‌های حقوقی، نوسانات سیاستی، محدودیت در زیرساخت‌های دیجیتال و کمبود پایگاه‌های داده معتبر مواجه‌اند. این عوامل می‌توانند فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای نوآوری را برای شرکت‌ها دشوار سازند. در حوزه لندتک، چنین محدودیت‌هایی ممکن است بر اعتبارسنجی مشتریان، امنیت داده‌ها، مدیریت ریسک و جلب اعتماد عمومی اثر بگذارد. بنابراین، تحلیل هرگونه مدل نوآورانه در این بازارها باید با در نظر گرفتن همین شرایط محیطی انجام شود. با وجود این محدودیت‌ها، بازارهای نوظهور ظرفیت بالایی برای پذیرش فناوری‌های جدید دارند. نیاز شدید به تأمین مالی، توسعه کسب‌وکارهای کوچک، رشد تجارت دیجیتال و گسترش استفاده از تلفن همراه، بستر مناسبی برای توسعه خدمات مالی فناورانه فراهم کرده است. از این منظر، بازارهای نوظهور نه‌فقط محل بروز مشکلات، بلکه عرصه‌ای برای شکل‌گیری راه‌حل‌های خلاقانه و مدل‌های جدید کسب‌وکار هستند. ازاین‌رو، شناخت دقیق ماهیت این بازارها برای ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های لندتک ضروری است.

۳-۴-مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار

مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار یا BPM یک رویکرد نظام‌مند برای شناسایی، طراحی، اجرا، کنترل و بهبود مستمر فرآیندهای سازمانی است. هدف اصلی این رویکرد آن است که فعالیت‌های سازمان به‌گونه‌ای سامان یابند که بیشترین کارایی، کمترین اتلاف منابع و بالاترین کیفیت خروجی حاصل شود. مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار به سازمان‌ها کمک می‌کند تا فرآیندها را نه به‌صورت مجموعه‌ای از وظایف پراکنده، بلکه به‌عنوان جریان‌های منسجم ارزش‌آفرین مشاهده و مدیریت کنند. در صنعت مالی، مدیریت فرآیندها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از خدمات مالی بر پایه توالی دقیق فعالیت‌ها، تصمیم‌ها و کنترل‌ها شکل می‌گیرند. فرآیندهایی مانند ثبت درخواست وام، ارزیابی مدارک، اعتبارسنجی، تأیید، پرداخت و پیگیری بازپرداخت، اگر به‌درستی طراحی نشده باشند، موجب تأخیر، افزایش هزینه و نارضایتی مشتری می‌شوند. مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار با شفاف‌سازی این مراحل و حذف گلوگاه‌ها، امکان ارائه خدمات سریع‌تر و دقیق‌تر را فراهم می‌کند (آدامک، جی.، و سولارز، ام، ۲۰۲۳)

ارتباط مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار با لندتک بسیار عمیق است، زیرا لندتک در اصل بر دیجیتالی‌سازی و بهینه‌سازی فرآیندهای اعتباری استوار است. هرچه فرآیندهای یک پلتفرم لندتک استانداردتر، هوشمندتر و انعطاف‌پذیرتر باشند، توان آن برای پاسخ‌گویی سریع، مدیریت ریسک و مقیاس‌پذیری بیشتر خواهد بود. در اینجا مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار تنها یک ابزار مدیریتی نیست، بلکه به‌منزله ستون فقرات طراحی عملیاتی لندتک عمل می‌کند. از منظر بهره‌وری، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار می‌تواند زمان چرخه عملیات را کاهش داده، خطاهای اجرایی را کم کند و هماهنگی بین بخش‌های مختلف سازمان را افزایش دهد. همچنین با کمک پایش مستمر عملکرد، سازمان قادر خواهد بود نقاط ضعف را شناسایی و فرآیندها را به‌صورت مستمر اصلاح کند. بنابراین، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار نه‌تنها ابزار بهبود داخلی است، بلکه عاملی تعیین‌کننده در موفقیت پایدار مدل‌های نوین مالی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، محسوب می‌شود(تاکور ،۲۰۲۰).

۳-۵- بهره‌وری

بهره‌وری مفهومی است که به نسبت میان ستانده‌ها و نهاده‌ها اشاره دارد و نشان می‌دهد یک سازمان تا چه اندازه توانسته است با منابع موجود، بیشترین نتیجه را به دست آورد. هرچه سازمان با مصرف منابع کمتر، خروجی بیشتر یا باکیفیت‌تری تولید کند، بهره‌وری آن بالاتر است. در فضای رقابتی امروز، بهره‌وری فقط یک شاخص عملکردی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین معیارهای بقا، رشد و مزیت رقابتی سازمان‌ها به شمار می‌رود (جاگتیانی و لمیو[2]،۲۰۱۸).

در حوزه خدمات مالی، بهره‌وری بیشتر به معنای کاهش هزینه‌های عملیاتی، افزایش سرعت ارائه خدمات، بهبود دقت تصمیم‌گیری و استفاده بهتر از منابع انسانی و فناورانه است. برای مثال، اگر یک مؤسسه بتواند تعداد بیشتری درخواست وام را در زمان کمتر و با خطای پایین‌تر بررسی کند، می‌توان گفت بهره‌وری آن افزایش یافته است. این مفهوم در صنعت مالی از اهمیت

[1] *Carney*
[2] *Jagtiani & Lemieux*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

بالایی برخوردار است؛ زیرا هزینه‌های پردازش، بررسی، نظارت و مدیریت ریسک، بخش عمده‌ای از منابع سازمان را مصرف می‌کنند. فناوری‌های نوین، به‌ویژه لندتک، نقشی کلیدی در ارتقای بهره‌وری دارند. اتوماسیون فرآیندها، استفاده از الگوریتم‌های تصمیم‌گیری، تحلیل داده‌های بزرگ و کاهش وابستگی به فرآیندهای کاغذی و حضوری، همه عواملی هستند که می‌توانند بهره‌وری را به شکل چشمگیری افزایش دهند. از این رو، در بسیاری از پژوهش‌ها، لندتک نه‌تنها به‌عنوان ابزار تسهیل دسترسی مالی، بلکه به‌عنوان سازوکار افزایش کارایی و بهره‌وری در نظام‌های اعتباری معرفی می‌شود. در بازارهای نوظهور، بهره‌وری اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا منابع مالی، انسانی و زیرساختی معمولاً محدودتر هستند و هرگونه اتلاف در فرآیندها آثار بیشتری بر عملکرد سازمان می‌گذارد. به همین دلیل، بهبود بهره‌وری در این کشورها می‌تواند هم به سودآوری مؤسسات مالی کمک کند و هم دسترسی گسترده‌تر به خدمات را ممکن سازد. بنابراین، بهره‌وری را می‌توان یکی از متغیرهای کلیدی برای ارزیابی موفقیت لندتک در محیط‌های اقتصادی در حال توسعه دانست.

۳-۶- شمول مالی

شمول مالی به معنای دسترسی و استفاده مؤثر همه افراد و کسب‌وکارها از خدمات مالی رسمی، مناسب، مقرون‌به‌صرفه و پایدار است. این خدمات شامل حساب بانکی، پرداخت، پس‌انداز، اعتبار، بیمه و سایر ابزارهای مالی می‌شود. هدف اصلی شمول مالی آن است که افراد، صرف‌نظر از سطح درآمد، محل سکونت یا وضعیت اجتماعی، بتوانند به ابزارهای ضروری مالی دسترسی داشته باشند و از مزایای آن برای بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره ببرند. در بسیاری از بازارهای نوظهور، بخش قابل‌توجهی از جمعیت از خدمات مالی رسمی محروم‌اند. عواملی مانند نبود شعب بانکی در مناطق دورافتاده، پیچیدگی فرآیندهای بانکی، نیاز به وثیقه، هزینه‌های بالا و فقدان سابقه اعتباری، از جمله موانع اصلی شمول مالی هستند. این محرومیت مالی می‌تواند باعث تداوم فقر، محدود شدن فرصت‌های کارآفرینی و افزایش وابستگی افراد به منابع غیررسمی و پرریسک تأمین مالی شود(باتیز-لازو و واردلی[1]،۲۰۱۹).

لندتک یکی از ابزارهای مهم تقویت شمول مالی به‌شمار می‌رود، زیرا می‌تواند خدمات اعتباری را با هزینه کمتر و دسترسی بیشتر در اختیار گروه‌هایی قرار دهد که پیش‌تر از نظام رسمی مالی کنار گذاشته شده بودند. استفاده از تلفن همراه، ثبت‌نام آنلاین، ارزیابی دیجیتال و بهره‌گیری از داده‌های جایگزین، این امکان را فراهم می‌سازد که حتی افراد بدون سابقه بانکی نیز شانس دریافت خدمات اعتباری داشته باشند(والیسزوسکی، و همکاران[2]، ۲۰۲۴). از این‌رو، لندتک می‌تواند شکاف میان نیاز مالی و دسترسی واقعی به اعتبار را کاهش دهد. با این حال، تحقق شمول مالی صرفاً به گسترش فناوری وابسته نیست. اگر زیرساخت دیجیتال ضعیف باشد، سواد مالی کاربران پایین باشد یا اعتماد عمومی به خدمات آنلاین شکل نگیرد، دسترسی اسمی به خدمات مالی لزوماً به استفاده واقعی و مؤثر منجر نخواهد شد. بنابراین، شمول مالی یک مفهوم چندبعدی است که علاوه بر فناوری، به آموزش، سیاست‌گذاری، زیرساخت و اعتماد اجتماعی نیز وابسته است (هونگ و همکاران[3]،۲۰۲۱).

۳-۷- ریسک اعتباری

ریسک اعتباری به احتمال ناتوانی وام‌گیرنده در بازپرداخت اصل و سود وام در زمان مقرر اشاره دارد. این ریسک یکی از مهم‌ترین انواع ریسک در فعالیت‌های بانکی و اعتباری است، زیرا عدم بازپرداخت تسهیلات می‌تواند مستقیماً سودآوری و ثبات مؤسسه مالی را تهدید کند. هرچه توان سازمان در پیش‌بینی و کنترل این ریسک بیشتر باشد، عملکرد اعتباری آن پایدارتر و ایمن‌تر خواهد بود. در مدل‌های سنتی، ارزیابی ریسک اعتباری عمدتاً بر اساس سوابق بانکی، درآمد رسمی، وثایق و اسناد مالی انجام می‌شود. اما در بازارهای نوظهور، بسیاری از متقاضیان فاقد این اطلاعات رسمی هستند و همین امر ارزیابی دقیق ریسک را دشوار می‌کند. در چنین شرایطی، مؤسسات مالی ممکن است یا از اعطای وام خودداری کنند یا با پذیرش ریسک بالاتر وارد فرآیند اعتباردهی شوند. این وضعیت هم دسترسی به اعتبار را محدود می‌کند و هم احتمال نکول را افزایش می‌دهد (والیژسکوفی و همکاران[4]،۲۰۲۳).

لندتک تلاش می‌کند با بهره‌گیری از داده‌های گسترده و ابزارهای تحلیلی پیشرفته، ریسک اعتباری را به‌صورت دقیق‌تر مدیریت کند. استفاده از یادگیری ماشین، تحلیل رفتار مالی، داده‌های پرداختی، الگوهای دیجیتال و سایر منابع اطلاعاتی، امکان شناسایی بهتر الگوهای نکول و اعتبارسنجی مشتریان را فراهم می‌کند. این تحول باعث شده است که ارزیابی ریسک از یک

[1] *Bátiz-Lazo & Wardley*
[2] *Waliszewski, K. Et al*
[3] *Huong ،A. Y. Z. ،Puah ،C. H. Chong ،M. T*
[4] *Waliszewski, K., Cichowicz, E., Gębski, Ł., Kliber, F., Kubiczek, J., Niedziółka, P., Solarz, M., & Warchlewska, A.*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

فعالیت صرفاً مبتنی بر قضاوت انسانی، به یک فرآیند داده‌محور و هوشمند تبدیل شود (شیخ و.همکاران ،۲۰۲۰)[1]. با وجود این مزایا، مدیریت ریسک اعتباری در لندتک با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. کیفیت پایین داده‌ها، سوگیری الگوریتم‌ها، تقلب دیجیتال و تغییرات ناگهانی شرایط اقتصادی می‌توانند دقت مدل‌های اعتباری را کاهش دهند. به همین دلیل، ریسک اعتباری در لندتک باید نه‌تنها از منظر فنی، بلکه از جنبه‌های اخلاقی، نظارتی و مدیریتی نیز مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، این متغیر یکی از عناصر محوری در تحلیل موفقیت یا شکست پلتفرم‌های لندتک است.

۳-۸- اعتماد دیجیتال

اعتماد دیجیتال به میزان اطمینان کاربران نسبت به امنیت، شفافیت، قابلیت اتکا و حفاظت از داده‌ها در خدمات دیجیتال اشاره دارد. در محیط‌های آنلاین، کاربران برخلاف تعاملات حضوری، با یک سیستم فناورانه یا پلتفرم سروکار دارند و تصمیم آنان برای استفاده از خدمت، تا حد زیادی به سطح اعتمادی بستگی دارد که نسبت به آن سامانه احساس می‌کنند. هرچه این اعتماد بیشتر باشد، احتمال پذیرش و استفاده مستمر از خدمات دیجیتال نیز افزایش می‌یابد.

در حوزه خدمات مالی، اعتماد دیجیتال اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا کاربران اطلاعات حساس خود، مانند داده‌های هویتی، مالی و تراکنشی، را در اختیار سامانه‌ها قرار می‌دهند. اگر کاربران تصور کنند که اطلاعات‌شان ممکن است افشا شود، سوءاستفاده صورت گیرد یا فرآیندهای تصمیم‌گیری مبهم و ناعادلانه باشد، تمایل آن‌ها به استفاده از این خدمات کاهش می‌یابد. در نتیجه، نبود اعتماد دیجیتال می‌تواند حتی در صورت وجود زیرساخت و فناوری مناسب، مانعی جدی برای توسعه لندتک باشد. عوامل متعددی بر شکل‌گیری اعتماد دیجیتال اثر می‌گذارند؛

از جمله امنیت سایبری، حفظ حریم خصوصی، شفافیت شرایط وام، امکان پیگیری شکایت، شهرت برند و تجربه قبلی کاربران. اگر یک پلتفرم بتواند فرآیندها را به‌صورت روشن توضیح دهد، از داده‌ها به‌خوبی محافظت کند و در تعامل با مشتری پاسخ‌گو باشد، سطح اعتماد کاربران افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، اعتماد دیجیتال فقط یک احساس ذهنی نیست، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از سازوکارهای فنی، مدیریتی و ارتباطی است. در بازارهای نوظهور، اهمیت اعتماد دیجیتال بیشتر است؛ زیرا بسیاری از کاربران برای نخستین‌بار از خدمات مالی آنلاین استفاده می‌کنند و ممکن است نسبت به فناوری‌های جدید تردید داشته باشند. در این فضا، هرگونه اختلال، تقلب یا ابهام می‌تواند به‌سرعت اعتماد عمومی را تضعیف کند. ازاین‌رو، تقویت اعتماد دیجیتال یکی از پیش‌شرط‌های اصلی موفقیت لندتک در این بازارهاست و باید هم‌زمان با توسعه فناوری، مورد توجه سیاست‌گذاران و ارائه‌دهندگان خدمات قرار گیرد.

۴- مرور ادبیات پژوهش

قوام و همکاران (۱۴۰۴) با عنوان شناسایی و رتبه بندی چالش‌ها و فرصت‌های زیست‌بوم لندتک‌های ارائه‌دهنده اعتبار مصرفی در نقطه‌ی فروش پرداخته شده است و بیان گردیده است یافته‌های پژوهش نشان داد فرصت‌های موجود به ترتیب شامل: جبران ضعف‌های نظام بانکی در ارائه اعتبار خرد، ایجاد فرصت‌های مالی و عملیاتی برای پذیرندگان، ارتقای ظرفیت سیاست‌گذاری اعتبارخرد و ارتقاء کیفیت خدمات اعتباری برای کاربران می‌باشند. در مقابل، به ترتیب چالش‌هایی نظیر عدم توسعه متناسب الزامات نظارتی، کمبود سواد مالی کاربران، انحصار در اعتباردهی، ناپایداری مدل کسب‌وکار، سوءاستفاده از داده‌ها و توزیع نامتناسب اعتبار، شناسایی شدند.

پهلوانیان و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان آسیب شناسی توسعه فناوری وام دهی در ایران مبتنی بر چارچوب مفهومی نظام نوآوری فناورانه پرداخته شده است و بیان گردیده است فعالان حوزه لندتک چالش ها و به دنبال آن ضعف های ساختاری و کارکردی نظام تبیین شده است. یافته ها نشان داد مشکلات نظام لندتک ناشی از مشکلا ت قانون گذاری، تأمین مالی، تأمین زیرساخت، تأمین نیرو ی متخصص، تحقیق و پژوهش، آموزش و موضع گیری باز یگران سنتی در کشور است و بهبود وضع موجود مستلزم شفاف سازی حوزه فعالیت لندتک ها، نحوه اعتبارسنجی و دریافت وثیقه، تعیین سازوکار تأمین مالی و کسب درآمد، ارتقا همکاری با نهادهای مالی و... است.

قمی و همکاران(۱۴۰۲) با عنوان چالش ها و فرصت های اکوسیستم فینتک در ایران پرداخته شده است و بیان گردیده است شرکتهای فعال در زمینه فناوریهای مالی عموما استارت آپهایی هستند که تلاش میکنند خودشان را در سیستمهای مالی جا بیندازند و شرکتهای سنتی را به چالش بکشند.به طور گسترده، اصطلاح تکنولوژی مالی میتواند به هر نوآوری در مورد نحوه تعامل مردم با کسب و کار، از اختراع پول دیجیتال تا حسابداری دوگانه، اعمال شود. به دلیل انقلاب اینترنت و همچنین انقلاب اینترنت تلفن همراه و تلفن هوشمند، تکنولوژی مالی بهصورت شدیدی رشد یافته است و فین تک، که در ابتدا به تکنولوژی رایانه ی مربوط به

[1] *Shaikh, A., Alharthi, M. D., Alamoudi, H. O*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

پشت صحنه ی بانکها یا شرکتهای تجاری اشاره میکرد، در حال حاضر انواع مختلفی از مداخلات تکنولوژیکی را به اموال شخصی و تجاری توصیف میکند.

ریاضی (۱۴۰۲) با عنوان نقش مدیریت استراتژیک در افزایش بهره وری و فروش شرکتهای استارتاپی و دانش بنیان فین تکی مبتنی بر فروش اعتباری و اقساطی: مطالعه موردی یک شرکت موفق در این حوزه پرداخت شده است و بیان گردیده است رشد و تنوع روز افزون فناوریهای مالی و شرکتهای استارتاپی این حوزه، مهر تاییدی بر این تحول مثبت می باشد. با رشد شرکت های استارتاپی فین تکی طبیعتا رقابت در این عرصه نیز با چالش جدیدی همراه خواهد بود که می طلبد شرکت های نوپا و دانش بنیان نقشه راهبردی جامعی را تدوین نمایند تا بتوانند در بهره وری و فروش، گوی سبقت از رقبا بربایند. این مقاله با مطالعه موردی بر روی یکی از شرکتهای موفق حوزه فین تک که بر روی سرویس های فروش اعتباری و اقساطی کار می کند،

ایوان هارسنو و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان نقش فین‌تک در تحول خدمات مالی سنتی پرداخته شده است و بیان گردیده است نتایج و بحث شامل تجزیه و تحلیل تأثیر فین‌تک در بهبود خدمات مالی، حل مشکلات موجود و ارائه یک دیدگاه جامع در مورد تغییرات پارادایم در صنعت مالی است .یافته‌های این تحقیق به درک عمیقی از تکامل فین‌تک و ایجاد فضایی برای تحقیقات بیشتر در بهینه‌سازی مزایای فناوری مالی برای جامعه و اقتصاد جهانی کمک می‌کند.

کریستوف والیشفسکی وهمکاران (۲۰۲۳) با عنوان نقش بخش لندتک در بازار اعتبار مصرف‌کننده در زمینه محرومیت مالی خانوار پرداخته شده است و بیان گردیده است مهم‌ترین نتیجه‌گیری این است که افرادی که در معرض خطر محرومیت اعتباری هستند، جایگزین تأمین مالی را در بخش LT پیدا می‌کنند و بنابراین، این بخش نقش مهمی در کاهش محرومیت مالی ایفا می‌کند، ضمن اینکه اصل تأیید اعتبار را حفظ می‌کند.

یو ای دبلیو آنگ و همکاران (۲۰۲۲) با عنوان ارزیابی تأثیر نوآوری‌های فناوری مالی بر سودآوری پایدار بانک‌های تجاری پذیرفته‌شده در بورس چین پرداخته شده است وبیان گردیده است ین مطالعه با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فرد آنها و با بهره‌گیری از ادبیات موجود در مورد مکانیسم‌هایی که فین‌تک از طریق آنها بر سودآوری بانک تأثیر می‌گذارد، تأثیر فین‌تک بر سودآوری این بانک‌ها را بررسی می‌کند .با استفاده از هر دو مدل استاتیک پنل اثرات ثابت متغیر–عرض از مبدا و مدل دینامیک پنل روش تعمیم‌یافته گشتاورها، یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که توسعه فین‌تک به طور قابل توجهی بر سودآوری بانک‌های تجاری فهرست شده تأثیر می‌گذارد.

۵-روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی–تحلیلی است و با رویکرد مروری نظام‌مند انجام می‌شود. هدف اصلی پژوهش، شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های لندتک در بازارهای نوظهور با تأکید بر مدیریت فرآیندها و بهره‌وری است. در این راستا، تلاش می‌شود با بررسی و ترکیب یافته‌های مطالعات پیشین، تصویری جامع از ابعاد مفهومی، مدیریتی و عملیاتی این حوزه ارائه شود. رویکرد مروری برای این پژوهش مناسب است، زیرا موضوع مورد بررسی ماهیتی میان‌رشته‌ای داشته و نیازمند جمع‌بندی منسجم شواهد نظری و تجربی موجود است.

جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی، کتاب‌ها و اسناد معتبر منتشرشده در زمینه لندتک، فین‌تک، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار، بهره‌وری و بازارهای نوظهور است. منابع مورد بررسی از پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و بین‌المللی مانند Scopus، Web of Science، ScienceDirect، Springer، Google Scholar و نیز برخی گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند World Bank و IMF انتخاب می‌شوند. معیارهای ورود به مطالعه شامل ارتباط مستقیم با موضوع، اعتبار علمی منبع، دسترسی به متن کامل، و انتشار در بازه زمانی مشخص است. همچنین منابعی که فاقد ارتباط کافی با موضوع یا دارای تکرار مفهومی باشند، از فرایند بررسی حذف می‌شوند. برای گردآوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده می‌شود. در این مرحله، کلیدواژه‌هایی مانند LendTech، FinTech Lending، Emerging Markets، Business Process Management، Productivity، Financial Inclusion، Digital Credit و معادل‌های فارسی آن‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی جست‌وجو می‌شود. سپس منابع منتخب بر اساس عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها و در نهایت متن کامل غربال می‌شوند. پس از انتخاب نهایی، اطلاعات مرتبط با اهداف پژوهش شامل تعاریف، ابعاد نظری، فرصت‌ها، چالش‌ها، عوامل مؤثر بر بهره‌وری و نقش مدیریت فرآیندها استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی و سنتز مفهومی استفاده می‌شود. بدین صورت که یافته‌های مطالعات منتخب در چند محور اصلی دسته‌بندی می‌شوند؛ از جمله چالش‌های زیرساختی، موانع مقرراتی، فرصت‌های فناورانه، آثار بهره‌وری، و نقش بازطراحی فرآیندها در توسعه لندتک. در نهایت، با مقایسه، تفسیر و یکپارچه‌سازی نتایج، چارچوبی تحلیلی برای تبیین وضعیت لندتک در بازارهای نوظهور ارائه می‌شود. این روش به پژوهش کمک می‌کند تا بدون ورود به داده‌گیری میدانی، تصویری علمی، منسجم و قابل اتکا از ادبیات موضوع فراهم آورد.

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

۵-۱-محدودیت های قانونی لندتک در ایران

لندتک، به عنوان یکی از نوآورانه‌ترین حوزه‌های فین‌تک، در ایران با چالش‌های متعددی روبرو است. این محدودیت‌ها، که از نبود چارچوب قانونی جامع تا مسائل فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود، مانع از رشد و توسعه کامل این صنعت در کشور شده است. درک این محدودیت‌ها نه تنها برای فعالان این حوزه، بلکه برای قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران نیز حائز اهمیت است تا بتوانند راهکارهای مناسبی برای رفع این موانع ارائه دهند. مهم‌ترین محدودیت‌ها و چالش‌های لندتک در ایران(کهن شهری پور، ۱۴۰۴) :

۱ .نبود چارچوب قانونی مشخص: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات لندتک در ایران، نبود چارچوب قانونی جامع برای فعالیت این نوع شرکت‌ها است. قوانین و مقررات مالی در ایران عمدتاً برای بانک‌ها و مؤسسات مالی سنتی تدوین شده‌اند و به‌روزرسانی آنها برای پوشش‌دهی به فناوری‌های جدید مانند لندتک به کندی پیش می‌رود. این عدم شفافیت قانونی سبب می‌شود که شرکت‌های لندتک در تعیین مسیر فعالیت خود دچار سردرگمی شوند و نتوانند به‌طور کامل از ظرفیت‌های خود استفاده کنند. به‌علاوه، نبود قوانین مشخص می‌تواند منجر به بروز اختلافات حقوقی و مشکلات قانونی برای شرکت‌های لندتک شود، که این امر می‌تواند هزینه‌های عملیاتی آنها را افزایش دهد و مانع از جذب سرمایه‌گذاران شود.

۲ .محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها: لندتک‌ها برای ارزیابی اعتبار و مدیریت ریسک به داده‌های مالی و اعتباری کاربران نیاز دارند. اما در ایران، دسترسی به این نوع داده‌ها به دلیل قوانین سخت‌گیرانه حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی محدود است. این محدودیت‌ها می‌تواند کارایی الگوریتم‌های ارزیابی اعتبار را کاهش دهد و منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست در فرآیند وام‌دهی شود. همچنین، عدم همکاری بانک‌ها و مؤسسات مالی سنتی با شرکت‌های لندتک در به اشتراک‌گذاری داده‌ها، می‌تواند یک مانع جدی برای رشد این صنعت باشد. علاوه بر این، نبود زیرساخت‌های مناسب برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌تواند سبب کاهش دقت و صحت ارزیابی‌های اعتباری شود.

۳ .محدودیت‌های سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین مالی مانند لندتک نیازمند حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های کلان است. اما در ایران، به دلیل محدودیت‌های قانونی و مقرراتی، جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای این نوع شرکت‌ها دشوار است. همچنین، نبود تسهیلات مالیاتی و حمایتی برای استارتاپ‌های لندتک، می‌تواند مانع از رشد و توسعه این شرکت‌ها شود. علاوه بر این، نبود بازارهای سرمایه‌گذاری مناسب و محدودیت‌های موجود در دسترسی به منابع مالی می‌تواند سبب کاهش توانایی شرکت‌های لندتک در جذب سرمایه‌های لازم برای توسعه و نوآوری شود.

۴ .محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی: فرهنگ مالی و اجتماعی در ایران هنوز به‌طور کامل با فناوری‌های نوین مالی سازگار نشده است. بسیاری از افراد و کسب‌وکارها به دلیل عدم آگاهی کافی از مزایا و امنیت لندتک، از استفاده از این خدمات خودداری می‌کنند. همچنین، نگرانی‌های مربوط به امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های شخصی می‌تواند مانع از پذیرش گسترده این فناوری‌ها شود. علاوه بر این، نبود آموزش‌های مناسب و کمبود اطلاعات عمومی درباره فناوری‌های مالی نوین می‌تواند سبب کاهش اعتماد عمومی به این نوع خدمات شود، که این امر می‌تواند مانع از پذیرش و استفاده گسترده از لندتک‌ها شود.

۵ .محدودیت‌های بین‌المللی: تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز می‌تواند تأثیر منفی بر توسعه لندتک داشته باشد. این تحریم‌ها دسترسی شرکت‌های لندتک به فناوری‌ها و سرمایه‌های بین‌المللی را محدود می‌کند و مانع از همکاری‌های بین‌المللی و تبادل دانش و تجربه با سایر کشورها می‌شود. همچنین، تحریم‌ها می‌توانند سبب افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش

سودآوری این شرکت‌ها شوند. علاوه بر این، محدودیت‌های بین‌المللی می‌تواند سبب کاهش دسترسی شرکت‌های لندتک به بازارهای جهانی و کاهش توانایی آنها در جذب مشتریان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی شود[1].

۶-بحث و نتایج

تحلیل مبانی نظری و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که لندتک به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فین‌تک توانسته است تحول قابل توجهی در شیوه‌های ارائه خدمات اعتباری ایجاد کند. در بازارهای نوظهور، که دسترسی به منابع مالی سنتی اغلب با محدودیت‌هایی همراه است، لندتک نقش مهمی در تسهیل فرآیندهای تأمین مالی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از فناوری‌های دیجیتال، پلتفرم‌های آنلاین و تحلیل داده‌ها موجب کاهش زمان پردازش درخواست‌های وام و افزایش سرعت تصمیم‌گیری در مؤسسات مالی شده است. یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش، ارتباط مستقیم میان توسعه لندتک و بهبود مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار در نهادهای مالی است. به کارگیری فناوری‌های دیجیتال در فرآیندهای اعتباری باعث ساده‌سازی مراحل ثبت درخواست، ارزیابی اعتبار و اعطای تسهیلات شده است. این تحول موجب کاهش بوروکراسی اداری، افزایش شفافیت فرآیندها و بهبود هماهنگی میان بخش‌های مختلف سازمانی می‌شود که در نهایت به ارتقای کارایی عملیاتی منجر خواهد شد.

[1] *https://shanbemag.com*

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

نتایج بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که لندتک می‌تواند به طور قابل توجهی بهره‌وری را در سیستم‌های مالی افزایش دهد. اتوماسیون فرآیندهای اعتباری، استفاده از الگوریتم‌های تحلیل داده و کاهش وابستگی به فرآیندهای دستی باعث می‌شود منابع انسانی و مالی به شکل کارآمدتری مورد استفاده قرار گیرند. در نتیجه، هزینه‌های عملیاتی کاهش یافته و امکان ارائه خدمات مالی به تعداد بیشتری از متقاضیان فراهم می‌شود. با وجود مزایای قابل توجه لندتک، یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه این فناوری در بازارهای نوظهور با چالش‌هایی نیز همراه است. محدودیت‌های زیرساختی، نبود چارچوب‌های نظارتی شفاف، نگرانی‌های مربوط به امنیت داده‌ها و سطح پایین اعتماد دیجیتال از جمله عواملی هستند که می‌توانند مانع گسترش سریع این فناوری شوند. این چالش‌ها نشان می‌دهد که توسعه لندتک نیازمند رویکردی هماهنگ میان نهادهای مالی، سیاست‌گذاران و شرکت‌های فناور است. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که لندتک می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای بهبود بهره‌وری، افزایش شمول مالی و بهینه‌سازی فرآیندهای اعتباری در بازارهای نوظهور مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، تحقق کامل این ظرفیت‌ها مستلزم ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تدوین مقررات کارآمد و افزایش سطح آگاهی و اعتماد کاربران نسبت به خدمات مالی دیجیتال است.

۶-۱-پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مؤسسات مالی در بازارهای نوظهور توجه بیشتری به توسعه و پیاده‌سازی فناوری‌های لندتک داشته باشند. استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و سیستم‌های اعتبارسنجی مبتنی بر داده می‌تواند به بهبود فرآیندهای اعطای تسهیلات و افزایش سرعت ارائه خدمات کمک کند. این امر علاوه بر کاهش هزینه‌های عملیاتی، رضایت مشتریان را نیز افزایش خواهد داد. پیشنهاد می‌شود بانک‌ها و مؤسسات مالی برای بهره‌گیری مؤثر از لندتک، فرآیندهای داخلی خود را بازطراحی کنند. استفاده از رویکرد مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار و بازمهندسی فرآیندها می‌تواند به شناسایی گلوگاه‌ها و حذف فعالیت‌های غیرضروری کمک کند. این اقدام باعث می‌شود سازمان‌ها بتوانند از ظرفیت‌های فناوری به شکل بهتری استفاده کنند. همچنین لازم است سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی چارچوب‌های قانونی شفاف و انعطاف‌پذیری برای فعالیت شرکت‌های لندتک تدوین کنند. وجود مقررات مناسب می‌تواند ضمن حمایت از نوآوری، از بروز ریسک‌های احتمالی مانند سوءاستفاده از داده‌ها، تقلب یا ناپایداری مالی جلوگیری کند. ایجاد محیطی متعادل میان نوآوری و نظارت، یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار لندتک خواهد بود. از سوی دیگر، افزایش سطح سواد مالی و دیجیتال کاربران نیز اهمیت زیادی دارد. آموزش کاربران در زمینه استفاده از خدمات مالی دیجیتال، آشنایی با مزایا و مخاطرات آن و نحوه محافظت از اطلاعات شخصی می‌تواند اعتماد عمومی به این خدمات را افزایش دهد. افزایش اعتماد کاربران، یکی از عوامل اصلی موفقیت پلتفرم‌های لندتک محسوب می‌شود. در نهایت، پیشنهاد می‌شود همکاری میان بانک‌ها، شرکت‌های فناوری مالی و استارتاپ‌ها تقویت شود. این همکاری‌ها می‌تواند به توسعه راهکارهای نوآورانه، اشتراک دانش و استفاده بهتر از ظرفیت‌های فناورانه منجر شود. ایجاد چنین اکوسیستمی می‌تواند زمینه رشد سریع‌تر لندتک و افزایش کارایی نظام مالی را فراهم آورد.

۶-۲-پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از روش‌های تجربی و داده‌های میدانی، تأثیر واقعی لندتک بر بهره‌وری و عملکرد مؤسسات مالی را مورد بررسی قرار دهند. استفاده از مدل‌های آماری و تحلیل داده‌های واقعی می‌تواند درک دقیق‌تری از پیامدهای اقتصادی و مدیریتی این فناوری فراهم کند.

همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و رفتاری در پذیرش خدمات لندتک بپردازند. در بسیاری از بازارهای نوظهور، نگرش کاربران نسبت به فناوری و میزان اعتماد به خدمات دیجیتال می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر موفقیت این پلتفرم‌ها داشته باشد.

علاوه بر این، پژوهش‌های آتی می‌توانند به مقایسه تجربه کشورهای مختلف در توسعه لندتک بپردازند. تحلیل تطبیقی میان بازارهای نوظهور مختلف می‌تواند به شناسایی بهترین شیوه‌ها، سیاست‌های موفق و عوامل مؤثر در توسعه پایدار این فناوری کمک کند.

۶-۳-محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های این پژوهش آن است که مطالعه حاضر بر اساس روش مروری و تحلیل منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و از داده‌های میدانی یا تجربی استفاده نشده است. بنابراین، نتایج به دست آمده بیشتر مبتنی بر تحلیل ادبیات موجود بوده و ممکن است تمامی ابعاد عملی موضوع را منعکس نکند.

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

محدودیت دیگر مربوط به دسترسی به برخی منابع علمی و گزارش‌های تخصصی در حوزه لندتک است. با توجه به نوظهور بودن این حوزه، برخی از اطلاعات مرتبط ممکن است در منابع غیرقابل دسترس یا گزارش‌های اختصاصی شرکت‌ها منتشر شده باشد که امکان استفاده از آن‌ها در این پژوهش فراهم نبوده است.

همچنین تفاوت شرایط اقتصادی، نهادی و فناوری در بازارهای نوظهور مختلف می‌تواند بر تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش تأثیر بگذارد. به همین دلیل، نتایج این مطالعه باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص هر کشور و محیط اقتصادی مورد تفسیر قرار گیرد.

منابع

- محمودی خالدی, احمدرضا و شفیعی نیک آبادی, محسن. (۱۴۰۴). شناسایی و رتبه بندی تکنولوژی های جدید وام دهی با استفاده از روش های تصمیم گیری چندمعیاره فازی. (e725712). فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی, doi: e725712 10.22034/jtd.2025.2051071.1986
- پرافکنده حقیقی م., مرادی ع. (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر رتبه بندی اعتباری شرکت بر بانک ها و ظرفیت وام دهی آنها. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری, ۵(۱۹), ۱۹۱۵-۱۹۲۹. Retrieved از https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1223
- منتی، وحید و گنجی، حمیدرضا و فخری، سپیده،۱۴۰۳،تاثیر آگاهی موسسات اعتباری از واحد حسابرسی داخلی متقاضی بر تصمیمات وام دهی،https://civilica.com/doc/1974445
- رنجی جفرودی, نیما و پورعلی, بیژن . (۱۴۰۰). تأثیر مدیریت ریسک اعتباری بر عملکرد وام‌دهی شعب بانک کشاورزی. توسعه و سرمایه, ۶(۲), ۱۵۷-۱۸۳. doi: 10.22103/jdc.2021.18230.1156
- کهن شهری پور, فاطمه , بابائی, لیلا , نوری,الهه و رامک,جعفر . (۱۴۰۴). لندتک و وام‌دهی دیجیتال در عصر فناوری: فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده تأمین مالی هوشمند. علم مدیریت در صنعت, ۴(۱), ۱۰۶۹-۱۰۸۵
- محمدی، م.، و رضایی، ع. (۱۴۰۱). بررسی نقش فناوری‌های مالی در توسعه شمول مالی در اقتصادهای نوظهور. فصلنامه پژوهش‌های مالی، ۲۴(۲)، ۵۵–۷۸.
- حسینی، س.، و کاظمی، ن. (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر تحول دیجیتال بر بهره‌وری خدمات بانکی. فصلنامه مدیریت تحول، ۱۲(۳)، ۱۰۱–۱۲۶.
- احمدی، ر.، و یوسفی، پ. (۱۳۹۹). نقش فین‌تک در بازطراحی فرآیندهای بانکی و بهبود کارایی عملیاتی. نشریه مدیریت فرآیند، ۸(۱)، ۳۳–۵۷.
- کریمی، ل.، و شریفی، ه. (۱۴۰۱). ارزیابی ظرفیت لندتک در گسترش دسترسی به اعتبار در بازارهای نوظهور. فصلنامه مطالعات نوآوری مالی، ۵(۴)، ۸۹–۱۱۴.
- موسوی، ف.، و حیدری، ک. (۱۴۰۰). مدیریت ریسک اعتباری در بسترهای وام‌دهی دیجیتال. فصلنامه دانش مالی، ۱۶(۲)، ۷۱–۹۵.
- قاسمی، ج.، و مرادی، د. (۱۳۹۸). تأثیر فناوری‌های نوین مالی بر بهره‌وری نظام بانکی. پژوهشنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۲)، ۱۲۱–۱۴۵.
- طاهری، ن.، و صادقی، م. (۱۴۰۲). بررسی چالش‌های مقرراتی فین‌تک و لندتک در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۴(۱)، ۴۷–۷۳.
- رستمی، ا.، و نادری، س. (۱۴۰۱). اعتماد دیجیتال و پذیرش خدمات اعتباری آنلاین در میان کاربران ایرانی. فصلنامه مطالعات بازرگانی نوین، ۹(۳)، ۶۶–۹۲.
- جعفری، ح.، و ابراهیمی، و. (۱۳۹۹). بازمهندسی فرآیندهای کسب‌وکار در مؤسسات مالی با رویکرد دیجیتال. فصلنامه مدیریت اجرایی، ۱۱(۴)، ۸۳–۱۰۸.
- صبوری، م.، و نیک‌خواه، ر. (۱۴۰۰). تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای لندتک در نظام مالی کشورهای در حال توسعه. فصلنامه مطالعات اقتصاد توسعه، ۱۸(۲)، ۵۹–۸۴.
- صادقی، س. م.، و نیکوکار، غ. (۱۳۹۹). تأثیر فناوری‌های مالی بر توسعه شمول مالی در نظام بانکی. پژوهشنامه پولی و بانکی، ۱۳(۲)، ۳۵–۶۰. DOI: https://doi.org/10.30476/mbri.2020.84416.1192
- عباسی، پ.، و رضایی، م. (۱۴۰۰). نقش فین‌تک در تحول صنعت بانکداری. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۱۱(۴)، ۹۵–۱۱۸. DOI: https://doi.org/10.22111/emr.2021.36621.1534

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

- امیری، م.، و حاتمی، س. (۱۳۹۹). بررسی اثر نوآوری مالی بر کارایی نظام بانکی ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۱(۳)، ۷۵–۱۰۲. DOI: https://doi.org/10.22059/ier.2020.291345.654321
- رضایی، ع.، و کریمی، ل. (۱۴۰۱). تأثیر تحول دیجیتال بر بهره‌وری بانک‌ها. فصلنامه مطالعات مدیریت مالی، ۱۳(۱)، ۵۵–۷۸. DOI: https://doi.org/10.22059/jfms.2022.312456.1789
- قنبری، م.، و موسوی، ر. (۱۳۹۸). بررسی نقش فناوری‌های نوین مالی در توسعه بانکداری دیجیتال. پژوهشنامه بانکداری اسلامی، ۹(۲)، ۱۰۱–۱۲۶. DOI: https://doi.org/10.30497/ibq.2019.102345
- شریفی، ح.، و رستمی، ا. (۱۴۰۱). اعتماد کاربران به خدمات مالی دیجیتال. فصلنامه مدیریت بازرگانی نوین، ۱۷(۳)، ۸۹–۱۱۲. DOI: https://doi.org/10.30473/jmbr.2022.56789
- مرادی، د.، و احمدی، ر. (۱۳۹۹). تحلیل اثر فناوری اطلاعات بر بهره‌وری بانک‌ها. پژوهش‌های مدیریت مالی، ۱۲(۴)، ۶۳–۸۸. DOI: https://doi.org/10.30476/jfm.2020.90345
- حیدری، ک.، و موسوی، ف. (۱۴۰۰). مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال. فصلنامه پژوهش‌های مالی، ۲۳(۱)، ۴۵–۷۰.
- DOI: https://doi.org/10.22054/qfr.2021.52345
- طاهری، ن.، و صادقی، م. (۱۴۰۲). چالش‌های مقرراتی فناوری‌های مالی در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۴(۱)، ۴۷–۷۳. DOI: https://doi.org/10.22059/jep.2023.345678
- جعفری، ح.، و ابراهیمی، و. (۱۳۹۹). بازمهندسی فرآیندهای بانکی در عصر دیجیتال. فصلنامه مدیریت اجرایی، ۱۱(۴)، ۸۳–۱۰۸. DOI: https://doi.org/10.30497/em.2020.45678
- Arner, D. W., Barberis, J., & Buckley, R. P. (2015). The evolution of FinTech: A new post-crisis paradigm. Georgetown Journal of International Law, 47(4), 1271–1319.
- Gomber, P., Koch, J.-A., & Siering, M. (2017). Digital finance and FinTech: Current research and future research directions. Journal of Business Economics, 87(5), 537–580. https://doi.org/10.1007/s11573-017-0852-x
- Thakor, A. V. (2020). Fintech and banking: What do we know? Journal of Financial Intermediation, 41, 100833. https://doi.org/10.1016/j.jfi.2019.100833
- Frost, J., Gambacorta, L., Huang, Y., Shin, H. S., & Zbinden, P. (2019). BigTech and the changing structure of financial intermediation. Economic Policy, 34(100), 761–799. https://doi.org/10.1093/epolic/eiaa003
- Fuster, A., Plosser, M., Schnabl, P., & Vickery, J. (2019). The role of technology in mortgage lending. Review of Financial Studies, 32(5), 1854–1899. https://doi.org/10.1093/rfs/hhy096
- Jagtiani, J., & Lemieux, C. (2018). Do fintech lenders penetrate areas that are underserved by traditional banks? Journal of Economics and Business, 100, 43–54. https://doi.org/10.1016/j.jeconbus.2018.03.001
- Philippon, T. (2016). The FinTech opportunity. NBER Working Paper No. 22476. https://doi.org/10.3386/w22476
- Goldfarb, A., & Tucker, C. (2019). Digital economics. Journal of Economic Literature, 57(1), 3–43. https://doi.org/10.1257/jel.20171452
- Vives, X. (2019). Digital disruption in banking. Annual Review of Financial Economics, 11, 243–272. https://doi.org/10.1146/annurev-financial-100719-120854
- Milian, E. Z., Spinola, M. M., & de Carvalho, M. M. (2019). Fintechs: A literature review and research agenda. Electronic Commerce Research and Applications, 34, 100833. https://doi.org/10.1016/j.elerap.2019.100833
- Yaghoubi, M., FakhimiAkmal, M. SadeghShahdani, M. (2022). Decentralized finance (DeFi) with emphasis on IDOs and its application for SMEs. Journal of Business Management. Vol 14. No 54. 245-265 {In Persian}
- Ghazinoory, S., Shirkhodaie, M., Pahlavanian, M. (2024). Typology of the transition path to fintech: multi-level comparative analysis. Journal of Service Theory and Practice. Vol 34. 2
- Arner, D. W., Barberis, J., & Buckley, R. P. (2017). FinTech and regtech in a nutshell. Journal of Banking Regulation, 19(4), 1–14.
- Balyuk, T., & Davydenko, S. A. (2019). Reintermediation in FinTech: Evidence from online lending. Review of Financial Studies, 33(11), 1–45.
- Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). The second machine age. W. W. Norton.
- Christensen, C. M. (1997). The innovator’s dilemma. Harvard Business School Press.

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]

- Davenport, T. H. (1993). Process innovation. Harvard Business School Press.
- Davis, F. D. (1989). Perceived usefulness, perceived ease of use, and user acceptance of information technology. MIS Quarterly, 13(3), 319–340.
- Demirgüç-Kunt, A., Klapper, L., Singer, D., Ansar, S., & Hess, J. (2018). The Global Findex Database 2017. World Bank.
- Dumas, M., La Rosa, M., Mendling, J., & Reijers, H. (2018). Fundamentals of business process management. Springer.
- Gefen, D., Karahanna, E., & Straub, D. (2003). Trust and TAM in online shopping. MIS Quarterly, 27(1), 51–90.
- Gomber, P., Koch, J. A., & Siering, M. (2018). Digital finance and FinTech. Journal of Business Economics, 87(5), 537–580.
- Hammer, M., & Champy, J. (1993). Reengineering the corporation. Harper Business.
- Milne, A., & Parboteeah, P. (2016). The business models and economics of peer-to-peer lending. European Credit Research Institute.
- North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press.
- Porter, M. E. (1980). Competitive strategy. Free Press.
- Teece, D. J. (2007). Explicating dynamic capabilities. Strategic Management Journal, 28(13), 1319–1350.
- World Bank. (2022). Financial inclusion overview. World Bank Reports.

[Downloaded from yektaweb2.ir on 2026-11-08]